بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 2 آذر 1392.

در مورد روایت عبد الرحیم قصیر که در ذیل آیه شریفه سوره احزاب وارد شده بود صحبت می کردیم. در مورد این روایت خب دو تا نقل در باره روایت هست که یک نقل همان نقلی که در علل بود و درکافی هم بود. در کافی بود و یکی نقلی که در تأویل الایات بود. در نقلی که در، در همه این نقل ها یک نقطه مشترک وجود دارد عبد الرحیم قصیر هست. در مورد عبد الرحیم قصیر دو بحث سندی هست. یکی اینکه این عبد الرحیم قصیر کیست. عبد الرحیم بن عتیک قصیر است یا عبد الرحیم بن روح قصیر است. اصلا عبد الرحیم بن عتیک قصیر و عبد الرحیم بن روح قصیر دو نفر هستند یا یک نفر هستند؟ اگر دو نفر هستند مشترکات عبد الرحیم قصیر مراد کیست. این یک مرحله بحث بحث تشخیص هویت عبد الرحیم قصیر. یک بحث دیگر این است که حالا علی أی احتمال که این را تشخیص بدهیم یا خیر این عنوان متحد یا عناوین مختلفی که عبد الرحیم قصیر دارند، اینها ثقه هستند یا نیستند؟ بحث وثاقت. در مورد مرحله اول در بعضی از کتب رجال ما تعبیر عبد الرحیم بن روح قصیر داریم. مثل مشیخه فقیه هست عبد الرحیم بن روح قصیر وارد شده است. در رجال شیخ آن جوری که در ذهنم هست عبد الرحیم بن روح قصیر وارد شده است. در کتب رجالی عبد الرحیم بن عتیک نیست ولی در بعضی از اسناد عبد الرحیم بن عتیک قصیر وارد شده است. خب یک بحثی اینجا هست بعضی ها اینها را یکی دانسته اند. عبد الرحیم بن عتیک و عبد الرحیم بن روح را یکی دانسته اند آقای خویی می فرمایند که ما دلیل بر اتّحاد اینها نداریم. اینها متّحد نیستند. ولی انصافش این است که مجموع قراین را ما ضمیمه کنیم مجموعا به نظر می رسد که اینها یکی هستند. ببینیم آیا اینها امکان اتحاد دارند یا خیر. صاحب قاموس الرجال اتحاد اینها را به این توجیه کرده است که روح اسم پدر عبد الرحیم لقبش باشد. ولی من ندیدم عطیک به عنوان لقب آن عطیک به عنوان اسم هست در کتاب های، اسم یک قبیله ای است و اسم بعضی از افراد عطیک گذاشته می شود. البته اسم خیلی نادری است. خیلی خیلی نادر است. ولی

می خواهم عرض کنم که عطیک اینکه لقب باشد من ندیدم جایی ولی توجیهات دیگری برای امکان وحدت عبد الرحیم بن روح و عبد الرحیم بن عطیک هست که همه اینها از این توجیه صاحب قاموس الرجال بهتر است. یکی از اینها این است که این دو اسمی باشد. به خصوص با توجه به اینکه عبد الرحیم بن قصیر نوشته اند مولا بنی اسد. اینها ازاد شده بودند. ممکن است پدرش غلام بوده است و در مورد غلام ها چیزی که خیلی مرسوم بوده است تغییر اسم. اسم را در واقع کسی که یک غلامی را می خرید اسمش را هم عوض می کرد. در مورد میثم تمار ملاحظه فرمایید که حضرت از او سؤآل کردند که اسمت چیست گفت اسمم سالم است. حضرت امیر ظاهرا. حضرت گفتند که آن اسمی که قبلا داشتی که میثم بود به همان اسم قبلی برگرد. گویا حضرت خیلی با این تغییر اسم ها موافق نبودند. تغییر اسم ها یک مقداری شخصیت غلام را هم تغییر می داده است. هویت استقلالیی ای که غلام داشته است به تبع این تغییر اسم ها تغییر می کرده است. علی أی تقدیر یک احتمال این است که اینها مثلا اسم قبلی اش عطیک بوده است و بعدا تبدیل به روح کرده اند. این یک احتمال. یک احتمال دیگر اینکه یکی از این دو تا روح و عطیک اسم پدرش است دیگری اسم جدش است و در این یکی از این دو تا عنوان اختصار در نصب رخ داده باشد. اختصار در نصب دیگر امر خیلی شایعی بوده است. مثلا علی بن بابویه که ما می گوییم علی بن حسین بن موسی بن بابویه است. ابن قولویه که گفته می شود جعفر بن محمد بن جعفر بن نمی دانم موسی بن قولویه است اگر اشتباه نکنم. ابن مطهّر که عنوان مرحوم علّامه حلّی هست. علامه حلی حسن بن یوسف بن علی بن مطهّر است. جدّ چندمش هست. ابن طاووس جدّ خیلی پنجم ششم هست که جد طاووس بوده است. همین جور اختصار در نصب خیلی شایع بوده است و ائمه اواخر را ابن الرضا تعبیر می کردند. اعتبار اشتهاری که امام رضا علیه السلام بعد از قضیه ولایت عهدی در جامعه اسلامی آن دوره داشته است به خصوص تعبیر رضا هم تعبیری بوده است که آن شعار بنی العباس که الرضا من آل محمد آن لقب امام رضا در واقع یادآور آن شعار بنی العباس بوده است که به دنبال حکومت الرضا من آل محمد هستند. الرضا یعنی المرضی پسندیده یعنی شخص پسندیده از آل محمد که بر حضرت رضا علیه السلام هم انطباق پیدا می کرده است. عنوان رضا یک عنوان خاصی بوده است که در جامعه،

سؤال:

پاسخ: حالا بنی العباس گذاشتن یا غیر بنی العباس گذاشتن ان خیلی در مقام این جهتش نیست. در مقام این هستم که با توجه به آن ذهنیتی که در جامعه آن موقع وجود داشته است که به جستجوی الرضا من آل محمد بوده است این لقب ولو در روایات ما هست که لقب خدایی هست این لقب برای امام رضا علیه السلام خیلی لقب شایعی در میان جامعه قرار می گرفته است این باعث می شده است که تمام فرزندانی که با چند واسطه امام جواد علیه السلام امام هادی علیه السلام امام عسگری و اینها همه به عنوان ابن الرضا تعبیر می شده اند. این خیلی شایع بوده است. البته در خصوص عبد الرحیم قصیر چون خود روح با عطیک هر دو شان تعبیرات معمولا تعبیر شایع را یعنی در میان اجداد آن نام هایی که نام های مشهور هست را حذف می کردند و نام های غیر مشهور را ذکر می کردند مثل مثلا همین ابن بابویه، نامهایی مثل حسین موسی که نام های معروفی هستند از سلسله نسب حذف می شده است و نام های غیر مشهور را ذکر می کرده اند. در مورد عبد الرحیم قصیر، ولو روح و عطیک هر دو نام غیر مشهوری هستند و حذف اینها از نسب خالی از بعد نیست ولی این احتمال وجود دارد که مثلا یکی از اینها، روح یا عطیک شخص معروفی بوده است و به خاطر اشتهارش آن را حذف کرده اند مثلا جد او عطیک که شخص معروفی بوده است یا روح مثلا جدش یک شخص معروفی بوده است به او نسبت داده می شده است. علی أی تقدیر اینها در مقام احتمال ما می خواهیم بگوییم ها. احتمال اتحاد عبد الرحیم بن روح قصیر با عبد الرحیم بن عطیک قصیر کاملا طبیعی است. خب حالا اما اینکه دلایل وحدت اینها. اولا این در یک طبقه واحد دو نفر عبد الرحیم نام وجود داشته ب اشند هر دو هم ملقّب به لقب قصیر باشند از جهت امامی که اینها نقل می کنند امام باقر و امام صادق علیه السلام مشترک هم باشند، این خودش فی نفسه احتمال مستبعدی است. این را هم ضمیمه کنید که تعبیر عبد الرحیم القصیر به نحو مطلق خیلی زیاد به کار می رود. یعنی غالبا بدون اسم پدر و اسم جد به کار می رود. اگر یک نفر باشد به نام عبد الرحیم بن قصیر این تعبیر عبد الرحیم القصیر را به این نحو تعبیر کردن خب طبیعی است. اما دو نفر باشند، مطلقات به عنوان عبد الرحیم بن قصیر گذاشته شده باشد آن هم خالی از بعد نیست. نمی خواهم بگویم اشکال دارد ها توجه فرمایید ممکن است دو نفر به نام عبد الرحیم قصیر باشند ولی انصراف عبد الرحیم قصیر به یکی از اینها باشد و به خاطر انصرافش به یکی از اینها مطلق گذاشته باشند ولی نفس اینکه دو نفر باشند و انصراف سبب شده باشد که این اسم را مطلق گذاشته باشند نفس این هم احتمال مستبعدی است.

سؤال:

پاسخ: عبد الرحیم اینگونه نیست که، عبد الرحیم نام کم تکراری است. ولی نه اینکه هیچ نداشته باشیم. انقدر هم دیگر نام خب شما در رجال صادق عنوان عبد الرحیم بروید در رجال شیخ می بینید ولی خب خیلی کم است. اما خب خود قصیر هم لقب قصیر شما نگاه کنید قصیر چه تعدادی وجود دارد القصیر نام هم خیلی نادر است. حالا من اینها فرمول های خاصی دارد نمی خواهم وارد بحث های فرمولی اش بشوم. خیلی خیلی مستبعد هست که دو عبد الرحیم القصیر در یک طبقه واحد وجود داشته باشند. این را ضمیمه کنید با این بحث که مطلقاتی به نام عبد الرحیم القصیر هم وجود دارد که آ« هم که احتمال اتحاد اینها را تقویت می کند. یک نکته دیگر را هم ضمیمه کنم. ببینید مطلق ما عبد الرحیم قصیر مطلق اگر یک نفر باشند، عبد الرحیم قصیر که تعبیر کرده اند خب طبیعی است. اما اگر دو نفر باشند اینکه دو نفر بوده اند ولی انصراف به یک نفر خاص داشته اند خود نفس همین هم یک نوع استبعادی دارد. محال نیست. کما اینکه شبیه این هست مثلا ابو بصیر ما دو نفر به نام ابو بصیر داریم. لیث بختری و یحیی اسدی ولی مشهور آن ابو بصیر یحیی است. ولی آن فی نفسه باز خیلی موارد زیادی نیستند که به این شکل وجود داشته باشند. خود همین هم اگر شما شبیه همین را بخواهید مثال بزنید خیلی مثال زیادی گیر نمی آورید که به یک عنوان دو نفر معروف باشند انصرافش به یک نفر خاص باشد وجود دارد ولی زیاد نیست. اینها را ضمیمه کنید با آن ندرت تسمیه به عبد الرحیم ندرت تلقّب به بصیر. وحدت طبقه و امثال اینها به نظر می رسد که اینها یکی هستند و به یکی از آن وجوهی که عرض کردم که چه وجهی که صاحب قاموس الرجال فرموده که عرض کردم ولو وجه مستبعدی است ولی احتمالش هم هست عطیک هم کسی لقب گذاشته باشد یا وجود دیگری که ما ذکر کردیم تعدد اسم نمی دانم اسم پدر اسم جد و اختصار در نصبی که عرض کردیم اینها پس بنابر این امکان اولا امکان اتحاد عبد الرحیم بن عطیک قصیر و عبد الرحیم بن روح قصیر وجود دارد و مرحله دوم اینکه قرائنی بر وحدت این دو تا هم وجود دارد. این هم این. اما عمده اش بحث مرحله بعدش است.

سؤال:

پاسخ: آنها تصحیف است. یک عبد الرحمن بن عطیک قصیر که با عنوان عطیک هم هست در یک جا عبد الرحمن بن عطیک القصیر در یک سندی در کافی وجود دارد که همان سند در محاسن برقی و در توحید صدوق اگر اشتباه نکنم آنها به عنوان عبد الرحیم قصیر وارد شده است.

سؤال:

پاسخ: اینها رجال اینها به احتمال زیاد از باب تصحیف و تحریف است. رجال برقی اینجور نیست که ترتیب خاصی داشته باشد. اینها احتمال اینکه همان عبد الرحمن هم مصحّف عبد الرحیم باشد خیلی جدی هست. عرض کنم خدمت وجود شما اینکه احتمال قوی اینها یکی هستند. اما حالا کدام یک از وجوه وحدت اینها درست است آیا روح و عطیک هر دو اسم این شخص بوده است یا یکی اسم خودش و یکی اسم پدر بزرگ بوده اسم پدر و پدر بزرگ بوده است حالا عبد الرحیم بن روح بن قصیر است یا عبد الرحیم بن عطیک روح است همه این احتمالات وجود دارد خیلی نحوه وحدت عبد الرحیم بن عطیک قصیر و عبد الرحیم بن روح قصیر را نمی شود تعیین کرد. احتمال بعیدی هم وجود دارد که مثلا اصلا تحریف باشد. مثلا روح و عطیک که احتمال خیلی بعیدی است. به هر حال جزو قدیمی ترین منابع هم روح وارد شده است هم عطیک وارد شده است و احتمال محرّف بودن یکی از این دو عنوان آن هم آخه روح و عطیک عنوان های خیلی شایعی نیستند. اینکه به هم تبدیل شده اند خالی از بعد نیست. آن احتمال بعیدی است. ولی علی أیّ تقدیر ظاهرا عبد الرحیم بن روح قصیر و عبد الرحیم بن عطیک القصیر یکی هستند این در این مرحله اول. مرحله دوم حالا چه یکی باشند چه متعدد باشند ایا قرینه بر وثاقت اینها می شود پیدا کرد یا خیر؟ من مجموعا نگاه کردم قرینه بر وثاقت قابل توجهی پیدا نکردم. فی الجمله روایاتی از آنها هست ولی اولا انقدر زیاد نیست و ثانیا نکته ای که وجود دارد ببینید روایاتی که از این نقل کرده اند روایت های فقهی آن چنانی نیست. یکی دو تا روایت فقهی از آن دارد. یک سری روایت های در مورد آداب و مستحبّات هست بعضی روایات در مسائل کلامی هست یک روایت مفصّلی دارد که در مسئله توحید سؤال کرده است امثال اینها خیلی معلوم نیست اعتماد راویان به شخص راوی باشد. گاهی وقت ها به متن حدیث توجه می کردند که مثلا متن قابل توجهی هست و می پذیرفتند و نقل می کردند این است که مجموعا خیلی وقت ها مضامینی که اینها نقل می کردند مضامینی بوده است که کلیت این مضمون در روایات دیگر هست. مثلا همین روایت ما نحن فیه در مورد تفسیر آیه اولوا الارحام به حکومت و ولایت و امامت خب روایت خیلی زیادی داریم. البته در خصوص دقیقا مضمون این روایت ها داشته باشد نه ولی اینکه اولوا الارحام بعضهم اولا ببعض را تطبیق بر مسئله امامت شده باشد خب در روایت های زیادی بود. البته روایتی که در مورد خصوص آیه سوره احزاب باشد کم بود ولی کلیتا اولوا الارحام بعضهم اولا ببعض را تطبیق کرده باشد بر مسئله امامت روایت های زیادی است. می تواند علّت تطبیق کردنشان این مطلب باشد یعنی علت روایت کردنشان مؤیّد بودن روایاتش به جهات دیگر. قوّت مضمون بعضی روایاتش باشد مثلا ببینید یک شخصی هم که ضعیف باشد معنایش این نیست که هر چه روایت نقل می کند مکذوب است و جعلی است. به خاطر همین ممکن است از یک راوی ضعیف روایت نقل کنند به دلیل اینکه متن روایت و یک متن شسته رفته و پاکیزه ای هست که روایت هایی دارد در مسئله دو سه تا سؤال کلامی کرده است که می گوید علی ید عبد الملک بن اعین سؤال کردند که در توحید صدوق کاملش وارد شده است و قطعاتش در جاهای مختلف وارد شده است در کافی و جاهای دیگر روایت های جالبی است ولی اینکه بگوییم که حالا در یک مورد یک روایت جالب توجه نقل کرده باشد بگوییم وثاقت کلی دارد و امثال اینها خیلی قابل اثبات نیست. مضامینی که عبد الرحیم قصیر نقل کرده است خیلی هایش مضامینی هست که مؤید به روایات دیگر است. در این جور جاها نمی توانیم بگوییم که نقل راویان از کسی مثل عبد الرحیم قصیر به خاطر این است که آن را ثقه می دانستند. نه ممکن است خیلی برایشان وثاقت و عدم وثاقتش هم ثابت نشده باشد ولی به خاطر جهات خارجیه ای که وجود دارد آن جهات، ما در بحث اکثار روایت اجلاء این را ذکر کردیم که شرط اینکه اکثار روایت اجلاء از یک راوی دلیل بر وثاقت باشد این است که روایت هایش فقهی باشد، الزامی باشدف مؤیّد به روایت دیگر نباشد، اینها همه دخالت دارد. اگر فرض کنید عبد الرحیم قصیر خیلی خیلی روایت داشت مثلا 300 تا روایت داشت خب ولو همه اش هم مثلا مستحبات و این جور چیزها بود اینکه آنها را مجموعا با توجه به کثرت خیلی زیادی که روایات وجود داشت آنها هم ممکن بود یک جوری اطمینان آدم بکند که به خاطر اعتماد بر شخص خودش هست نه به خاطر مثلا تسامح در ادله سنن و به خاطر قرائن خارجیه چون در این حجم و هر چه حجم روایاتی که از او نقل می کنند بیشتر باشد احتمالات مختلفی که وجود دارد احتمال اینکه به خاطر وثاقت شخص خودش باشد ترجیح پیدا می کند. ولی حجم روایت عبد الرحیم قصیر دقیق یادم نیست. من مجموعا فکر می کنم غیر تکراری هایش به مثلا بیست بیست و پنج تا بیشتر هم نرسد

خیلی هایش تکراری است مثلا در بصائر الدرجات خیلی روایت دارد ولی کل روایت های بصائر الدرجات سه چهار تا بیشتر نیست. یعنی شما تکراری هایش را چیز

سؤال:

پاسخ: نه حالا مجموعا فکر نمی کنم چیزی حدود بین بیست تا سی باید باشد تقریبی که من به نظرم می رسد بیست سی تا است و روایت های فقهی که از آن نقل می کند دو سه تا هست. کل روایت های فقهی که هست دو سه تا هست.

سؤال:

پاسخ: باشه اینها غالبش فرض کنید یک روایت به خصوص روایت هایی که در مورد

ولو اعتقادی است اعتقادی ای است که مضمون هایش می تواند مایه اعتماد بر روایت باشد. یعنی دیده اند که این مضمون شایسته است و به خاطر آن. یعنی خود قرینه قوّت متن. قوّت متن می تواند منشأ نقل روایت عبد الرحیم قصیر توسط راویان باشد.

خب به هر حال انها که نقل کرده اند ممکن است متن را قوی دانسته اند. عرض کردم یک سری سؤال هایی در مورد استطاعت و اینها هست دو سه تا سؤالات کلامی فلسفی هست ممکن است آنها که نقل کرده اند به جهت قوتی که متنش داشته است می خواهم بگویم که خیلی چون ببینید بحث اکثار روایت اجلا عمده اش این است که ما باید مطمئن شویم که روایات را به خاطر این است که این راوی را ثقه می دانسته اند. حالا من نمی خواهم وارد بحث تخصصی آن بحث اکثار روایت و وجوه مختلفی که، چون ببینید روایت تک تک راویان از عبد الرحیم قصیر زیاد نیست. فرض کنید یک راوی پنجاه تا روایت داشته باشد خب عیبی ندارد. ولی هر راوی یکی دو تا روایت دارد. این است که مشکل هست ما عبد الرحیم قصیر را وثاقتش را احراز کنیم.

یک چیزی فراموش کردم بگویم عبد الرحیم بن عطیک راوی اش حماد بن عثمان است. در یک جای دیگر همین حماد بن عثمان از عبد الرحیم بن روح قصیر نقل کرده است. وحدت حماد بن عثمان خودش جزو مؤیدات خیلی خوب بر وحدت اینها هست. عبد الرحیم بن روح قصیر در همین روایت ما نحن فیه به نحو تأویل الآیات همین روایت حماد بن عثمان از عبد الرحیم بن روح قصیر هست اگر اشتباه نکنم. یعنی یکی از مؤیدات خوب بحث اینکه از هر دو هم حماد بن عثمان نقل کنند خب خیلی مستبعد است. خب این یک مرحله. اما بحث اینکه در تفسیر قمی ابن ابی عمیر از عبد الرحیم بن قصیر نقل کرده است. تفسیر قمی ان جوری که مجموعا حالا من بحث های تفسیر قمی نمی خواهم باز کنم. تفسیر قمی نهایتا ما به نتیجه ای در موردش رسیدیمنتیجه ای که مبنایی که حاج آقا هم دارند و من با تعبیر اعتبار متوسّط از آن یاد می کنم، آن این است تفسیر قمّی و اینها نه کاملا بی اعتبار هستند نه اعتبار کامل دارند. اعتبار متوسط و بینابین دارند. یعنی به این معنا حالا نکته این بحث را نمی خواهم باز کنم خیلی بحث مفصلی است در مورد تفسیر علی بن ابراهیم تفسیر علی بن ابراهیم منقولاتی اش که از جهت متنی یا سندی قرابتی نداشته باشد پذیرفته می شود ولی منقولاتی که از جهت متنی یا سندی قرابت داشته باشد قابل پذیرش نیست من جمله

سؤال:

پاسخ: حالا آن بحث های چیزی دارد. مال هر کسی باشد ان خیلی چیز نیست. خیلی آن نکته ای که می خواهم اینجا مطرح کنم آنها همه بحث دارد تفسیر علی بن ابراهیم خیلی بحث دارد. آن بحث نهایی که وجود دارد آن این است که آن ابن ابی عمیر سند تفسیر قمی را بخوانید

سؤال:

پاسخ: این روایت در واقع روایتی است که در مورد تفسیر علی بن ابراهیم آن که هست جوهره کتاب مال علی بن ابراهیم است. ولی این تفسیر دیگری است که مؤلف آن ظاهرا علی بن هاتم قزوینی هست که استخوان بندی اصلی کتاب از علی بن ابراهیم بوده است و از تفسیر های دیگری مطالبی به آن اضافه کرده است و تفسیر موجود را تشکیل داده است. حدودا غیر از منقولات از علی بن ابراهیم از بیست و دو سه نفر دیگر نقل می کند که اینها از کتاب های متعددی نقل شده است. تفسیری هست که جوهره اصلی آن مال علی بن ابراهیم هست ولی از چیزهای دیگر هم به آن اضافه شده است. نه همه تفسیر علی بن ابراهیم در تفسیر موجود منتقف شده است نه همه تفسیر موجود از علی بن ابراهیم است. ولی رابطه این تفسیر با تفسیر علی بن ابراهیم رابطه عموم و خصوص من وجه هست. حالا آن قطعه هایی که از علی بن ابراهیم در این تفسیر نقل شده است که من جمله اینها همین مورد هست که شما نقل کردید این مورد، مورد بحث است که چقدر اعتبار دارد که ما قائل به اعتبار متوسط آن هستیم به خصوص در مورد بحث سقط. اسناد تفسیر علی بن ابراهیم نسبت به اسناد متعارف در موارد زیادی کوتاهتر است. من حالا در بعضی از یادداشت هایم مفصل مواردش را ذکر کرده ام و آمار گیری های متکرّری کرده ام. یعنی خیلی از جاها مثلا علی بن ابراهیم ابن ابی عمیر از ابی بصیر متعارفا با واسطه نقل می کند. تک و توک بی واسطه در جاهایی وجود دارد که باید تحریف باشد ولی در تفسیر علی بن ابراهیم حجم روایت ابن ابی عمیر از ابی بصیر یک چیزی حدود 30 درصد روایاتش است. در حالی که در جاهای دیگر مثلا روایت های ابن ابی عمیر از ابی بصیر دو سه درصد است که ظاهرا آن هم تحریف است ولی در تفسیر علی بن ابراهیم حجم خیلی بالاست. یک چیزی حدود 30 درصد روایت هایی که ابن ابی عمیر از ابی بصیر نقل می کند مستقیم است. و شبیه این هم زیاد است. به خصوص نسبت به ارسال، اصلا این تفسیر یعنی نسبت به نقل های مستقیم یعنی اینجوری تعبیر کنم که احتمال وقوع ارسال و سقط در تفسیر علی بن ابراهیم به گونه ای هست که در مواردی که احتمال سقط می رود، اصل عدم خطا اصلا جاری نیست. این اجمال بحث هست. من تصور می کنم من تصورم در مورد این کتاب این است که علی بن ابراهیم اواسط عمر نابینا شده است و فکر می کنم علی بن ابراهیم منقولاتی که بوده است مثلا از حفظ گفته بوده است و مطرح می کرده است به وسیله خودش سقط رخ داده است البته به وسیله خودش مستبعد است. این احتمال وجود دارد حالا این را که گفتید بگذارید بحث را تکمیل کنم یکی از نکاتی که در تفسیر علی بن ابراهیم وجود دارد این است که منقولات تفسیر علی بن ابراهیم موجود که حتما مال علی بن ابراهیم هست را وقتی مقایسه می کنیم با منقولاتی که در مجمع البیان مرحوم طبرسی از علی بن ابراهیم نقل شده است تفاوت های خیلی زیادی در آن می بینیم. تفاوت هایی که از یک جهت سودمند است که به اصطلاح حجم زیاد آن مثل هم است. آدم کاملا احساس می کند که اینها از یک منبع واحدند. ولی تفاوت ها هم کم نیست. این شبیه دو تقریراتی که از یک استاد نوشته شده باشد، شبیه تقریرات یک استاد است که جاهایی که اینها اختلاف نقل دارند خیلی وقتها نمی شود اعتماد کرد. من تصورم این است که راویان مختلف تقریرات مختلف از جلسه تفسیری علی بن ابراهیم ارائه داده اند. دو روایت مختلف است از تفسیر علی بن ابراهیم. آیاتی که شرع دارد مضمون کلی اش شبیه هم است ولی الفاظ فرق دارد. مضمون کلی یکی است ولی تفاوت ها انقدر زیاد است من یک بار به طور کامل تک تک آیات را یک مقاله هم نوشته ام چاپ نشده است ولی تک تک مواردی که چیز هست تفاوت ها و تغییراتی که هست این مجموعا به نظر می رسد که این کلّیتا می شود گفت که از تفسیر علی بن ابراهیم گرفته شده است ولی دو تقریر و دو تحریر مختلف از تفسیر علی بن ابراهیم هست و در این تحریر های مختلف، تحریر موجود از جهت افتادگی در سند و ارسال در آن خیلی شایع است. این است که مجموعا منقولاتی تفسیر علی بن ابراهیم جاهایی که با سندهای قریب دارد سند هایی که با سندهای مشابه دیگر متفاوت هست اصلا قابل اعتماد نیست. این ما نحن فیه هم که ابن ابی عمیر به خصوص همین ابن ابی عمیر، من یکی از مواردی که دنبال کرده ام مواردی که ابن ابی عمیر از کسانی مثل مثلا ابی بصیر، برید، محمد بن مسلم، زراره که معمولا با واسطه هست در تفسیر موجود علی بن ابراهیم حجم زیادی از آن مستقیم است. به خصوص اصلا خصوص ابن ابی عمیر یکی از محورهای اصلا مطالعاتی من بوده است. این است که اگر ابن ابی عمیر از یک نفر نقل کند و در تفسیر علی بن ابراهیم باشد اینها قابل اعتماد نیست.

سؤال

پاسخ: بدون واسطه معمولا اینگونه است یعنی مجموعا حجم، اینها به صورت آماری که معمولا ابن ابی عمیر از اشخاص دیگر به صورت آماری چقدر هست. مثلا فرض کنید ابن ابی عمیر عن أبی بصیر را شما نگاه کنید در جاهای دیگر 97 درصد مثلا با واسطه است و سه درصد آن مستقیم است. ولی در این کتاب در نظر بگیرید 30 درصد مستقیم است. تفاوت خیلی است یعنی تفاوت نحوه با واسطه و بی واسطه بودن تفسیر موجود با سایر اسناد کاملا متفاوت است. این است که با وجود اینکه روی هم رفته یک نوع اعتبار نسبی این تفسیر موجود دارد ولی در جاهایی که اینگونه هست به خصوص جاهایی که بحث های سندی است ما بخواهیم روایت ابن ابی عمیر از عبد الرحیم قصیر را نتیجه بگیریم و توثیق کنیم عبد الرحیم قصیر را مشکل است. این است که عبد الرحیم قصیر را مجموعا به نظر من مشکل هست چون باید ما اطمینان کنیم یقین به وثاقت آن کنیم. مجرد اینکه، من احتمال وثاقتش را هم می دهم نه اینکه بخواهم بگویم که احتمال وثاقتش نیست ولی اینکه انسان جزم پیدا کند اطمینان پیدا کند و یک ظن رجالی قابل توجهی پیدا کند بر وثاقت عبد الرحیم قصیر مشکل است. خب این بحث عبد الرحیم قصیر. نکته دیگر را هم ضمیمه کنم عبد الرحیم قصیر روایت دیگری در مورد عبد الرحیم قصیر داشتیم روایت تأویل الایات بود. تأویل الآیات دو نکته در موردش هست. آن روایت کافی و روایت دیگر عبد الرحیم قصیر بقیه سندش بحثی ندارد. اما روایت تأویل الآیات، محمد بن عباس که همان ابن ماهیار هست آن خودش در وثاقتش بحثی نیست در اعتبار این کتابی که آنها را ما خیلی بحث نمی کنیم خیلی قابل اعتبار هست به نظرم یعنی کتابی حالا دیگه اذان شد ادامه بحث باشد جلسه بعد این را ببینید هم یک بحث هست اختلافی که این نقل با نقل کافی دارد هم بحث متنی و اینکه آیا این قابل اعتماد هست یا نیست هم یک بحث. جلسه آینده بحث اولوا الارحام را هم آیات دیگری که این را به مسئله امامت بحث کرده است به علّت تعداد زیاد روایات ما بحث نمی کنیم یک سری خورده ریزهایی در مورد این بحث بود که می خواستم امروز بحث کنم این را انشاء الله فردا بحث می کنیم. خیلی وارد ریزه کاری های بحث نمی شویم بعد از آن می رویم سراغ آیه سوره نساء که عمده بحث ارث آن آیات هست.

سؤال:

پاسخ: عبد الاعلی بن اعین در یکی از سند های ما بود. آن را هم من نکته کلی اش را جلسه آینده بحث می کنم.

سؤال:

پاسخ: اهان یادم رفت این را ضمیمه کنم. اینکه در بعضی از جاها عبد الرحیم قصیر اشتهار داشته است یک نفر به این نام. به اعتبار سند قبل نبوده است حذف نامن پدر و جد. چون یکی از نکاتی که هست این است که گاهی اوقات ممکن است ما بگوییم که اینها یکی نیستند جاهایی که مشتهر عبد الرحیم قصیر را گفته اند به اعتماد سندهای قبلی بوده است در بعضی از جاهایی که سند قبلی هم ندارد و امثال اینها آن تعبیری که آن روایتی که شما آوردید یکی از مؤیدات این مطلب هست که عنوان عبد الرحیم قصیر به خاطر اشتهارش به این نام از او یاد شده است نه به خاطر اعتماد به سند قبلی

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد